

ژئوپولیتیک و اهمیت ابعاد پنجم

با مطالعه‌ی نقش قدرت اطلاعات و استراتژی رزم مدرن در قرن بیست و یکم

کیومرث یزدان پناه درو* - استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۱۲ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، بررسی دیدگاهی جدید در حوزه‌ی علم ژئوپولیتیک است که بنای آن قدرت اطلاعاتی و رشد شاخص‌های رزم مدرن در نظام معاصر است و براساس اهمیت ژئوپولیتیک در عصر حاضر و نقش‌آفرینی آن در نظام بین‌الملل و تحولات متصور بر آن استوار شده است. واژه‌ی اینفوسفر (نیروی اطلاعاتی)، به دلیل ماهیت ظریف و حساس خود، اهمیت زیادی در دستیابی به پاسخ فرضیه‌های این نوشتار دارد؛ زیرا مفاهیم ژئوپولیتیکی در زمان حاضر با این موضوع جدید در ارتباط هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از بین مفاهیم رایج ژئوپولیتیکی، فرایندهای اطلاعاتی در اهداف انتزاعی جهان معاصر از جایگاه برتری برخوردارند؛ یعنی نقش تعیین‌کننده‌ی این پژوهش به صنعت اطلاعات و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم آن با علم ژئوپولیتیک با قابلیت‌های زمانی است. بنابراین هدف مقاله این است که نشان دهد، در راستای این تغییر و تحولات، بسیاری از کشورها، از جمله کشورهایی که دارای موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی هستند، تلاش‌های گسترده‌ای برای تقویت قدرت رزم‌آوری و توان اطلاعاتی - امنیتی انجام داده‌اند، تا بتوانند در مواقع لازم و ضروری در موضع پدافندی و آفندی از خود دفاع کنند. این پژوهش از نوع پژوهش کاربردی با اصالت توصیفی - تحلیلی است. دامنه‌ی مطالعاتی این پژوهش، تغییر الگوها و روند حاکم بر نظام بین‌الملل بر اساس اصول متحول‌شده‌ی ژئوپولیتیکی است که موضوع قدرت رزم‌آوری و توان اطلاعاتی یکی از این ایده‌های جدید به‌شمار می‌رود و این پژوهش تلاش در اثبات آن دارد. هفت شاخه‌ی متصل در پیکره‌ی نظام معاصر را می‌توان جنگ فرماندهی و کنترل؛ جنگ برپایه‌ی اطلاعات؛ جنگ الکترونیک؛ جنگ روانی؛ جنگ هکرها؛ جنگ اطلاعاتی اقتصادی؛ جنگ سایبر بیان کرد.

کلیدواژه‌ها: ژئوپولیتیک زمان، قدرت اطلاعاتی، نیروی اطلاعاتی، قلمروهای استراتژیک، نظام بین‌الملل،

رزم مدرن.

مقدمه

عنوان این پژوهش بیانگر واقعیتی جدید در علم ژئوپلیتیک است. اینکه ژئوپلیتیک، به‌عنوان مفهومی قدیمی در علوم جغرافیایی و سیاسی و فنون نظامی و رزمی، قرن‌هاست که راهگشای بسیاری از مشکلات و بن‌بست‌های سیاسی و نظامی و امنیتی دولت‌ها و نظام‌ها بوده است. اما امروزه در ارتباط با ماهیت و سرشت تغییر و تحولات در نظام بین‌الملل، به‌ویژه در سه حوزه‌ی سیاست، امنیت و جنگ، کاربرد وسیع‌تر و پیچیده‌تری یافته است. اکنون اقتصاد جهانی و استراتژی‌های بلندمدت با برنامه‌ی نظامی اکثر کشورها، بر اساس نظام ژئوپلیتیکی طراحی و اجرا می‌شود. (آرجی، جانستون، ۱۳۸۳: ۵۳).

بنابراین این پرسش باید بررسی شود که: آیا هر اندازه که زمان در راستای پیچیدگی‌های تکنولوژیکی و قدرت روزافزون اطلاعاتی، به سمت جلو پیش می‌رود، تدابیر ژئوپلیتیکی می‌تواند در بُعد پنجم تأثیرگذاری خود نقش ایفا کند؟ و اگر چنین است، این نقش‌ها باید چگونه باشند؟

نقل‌وقول‌های ژئوپلیتیکی، نشان‌دهنده‌ی ادبیات شکوفا شده‌ای از ژئوپلیتیک است که در برداشت‌های پیچیده‌ی اطلاعاتی - که اکنون یک رکن قوی و بسیار مؤثر در تنظیم قدرت، شامل درون‌سیستمی و برون‌سیستمی به‌شمار می‌آید - نقش مستقیم ایفا می‌کنند. برخی از بزرگان علم ژئوپلیتیک، به‌مانند "لانسدال"، از این فرایند با عنوان بُعد پنجم ژئوپلیتیک یاد می‌کنند. به‌همین دلیل عنوان این مقاله موضوع بالا انتخاب شده است.

البته این نظریه هنگامی مورد توجه قرار گرفت که چند رویداد برق‌آسا و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل رخ داد. حوادث یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. در نیویورک آمریکا و چند شهر دیگر ایالات متحده و بی‌درنگ آغاز جنگ افغانستان - که هنوز هم ادامه دارد - و اشغال نظامی عراق در سال ۲۰۰۳ م.، موجب شد تا تمرکز ژئوپلیتیکی ایالات متحده‌ی آمریکا به‌سمت شرق و خاور مرکزی معطوف شود.

بسیاری از نظریه‌پردازان غربی در حوزه‌ی ژئوپلیتیکی، دلایل اقدامات رعدآسای نظامی در آغازین سال‌های هزاره‌ی سوم میلادی را، ناشی از قدرت رزم‌آوری بالا می‌دانند که متکی به نیروی قدرت اطلاعاتی بوده و این مسأله، رقبای شرقی ایالات متحده‌ی آمریکا را به‌شدت به تکاپو انداخته و حتی متحدان عمده‌ی اروپایی آمریکا را نیز نگران کرده است.

بنابراین هدف از این مقاله این است که در راستای این تغییر و تحولات، بسیاری از کشورها، از جمله کشورهایی که دارای موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی هستند، تلاش‌های گسترده‌ای برای تقویت قدرت رزم‌آوری و توان اطلاعاتی - امنیتی انجام داده‌اند تا بتوانند در مواقع لازم و ضروری، در موضع پدافندی و آفندی از خود دفاع کنند. در پژوهش پیش رو، فرض را می‌توان اطلاعاتی گذاشت از نظر شاخص‌های رشد و توسعه‌ی ژئوپلیتیکی نقش متفاوتی با دیگر شاخص‌ها دارند و همچنین اثبات می‌شود، قدرت رزم‌آوری و توان اطلاعاتی در نظام بین‌الملل در عصر حاضر، ارتباط معناداری دارد که از مهم‌ترین وجه آن کاربرد ژئوپلیتیکی آن است.

مبانی نظری

با توجه به مقدمه و ضرورت تشریح ابعاد موضوعی مقاله‌ی پیش رو، چنین می‌توان طرح مسأله کرد که: اساساً منافع ملی کشورها در قرن ۲۱ میلادی که قرنی پیچیده و درهم‌تنیده است و چرخه‌ای عظیم از ناآرامی‌های جغرافیایی در آن موج می‌زند، روند متفاوتی را نسبت به ادوار گذشته طی می‌کند و منافع ملی کشورها، براساس زنجیره‌ای از نیازهای ثابت و متغیر داخلی و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی که آن هم بسیار دگرگون شده، تعریف و طراحی می‌شود.

البته یکی از دلایل اصلی این تغییر رویکرد، پیشرفت‌های تکنولوژیک در جهان است که در برخی از حوزه‌ها آنقدر توسعه‌ی سریع و گسترده‌ای داشته که در واقع خارج از تصور بشر بوده است. شاید به جرأت بتوان گفت که پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، سرآمد بسیاری از شاخه‌های فنی و صنعتی بوده است و روند شتاب‌آلود آن همچنان ادامه دارد. برای نمونه، استفاده از محیط‌های هوا و فضا در این قرن، به‌میزان چشمگیری جهان استراتژیک عصر حاضر را پیچیده کرده و بیشتر جغرافی‌دانان می‌دانند که روند موجود تا چه اندازه مرزهای زمینی و سیم‌خاردهای کشیده شده در آن را بی‌اثر کرده است؟!

هجوم گسترده‌ی الگوهای اطلاعاتی غرب از یک‌سو و عدم توانایی بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کشورهای برخوردار از منابع ارزشمند طبیعی و انرژی در عرصه‌ی رقابت کالایی و ابزاری با غرب از سوی دیگر، سبب شده در عرصه‌ی قدرت رزم و مبارزه‌ی اطلاعاتی، در غالب یک مسابقه‌ی دوی بی‌پایان، همچنان به‌دنبال آن بدونند. البته کشورهای برخوردار از ژئوپولیتیک ممتاز، حتی از گزند ابزار اطلاعاتی و نرم‌افزاری کشورهای مؤثر و نوتوسعه‌یافته‌ی شرق هم در امان نمانده‌اند و چنین به نظر می‌آید که ژئوپولیتیک برتر، در محاصره‌ی بُعد پنجم و شکل جدید آن، یعنی نیروی اطلاعاتی قرار گرفته است.

مجموعه عوامل بالا موجب شده تا در عصر پیش رو، هویت خودی (ملی) تا حدود زیادی تضعیف شده و عناصر متحرک ژئوپولیتیک (انسان) خود را در دیگری جست‌وجو کند. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا ژئوپولیتیک در عصر حاضر با انفصال روبه‌رو است؟ یا حوادث تاریخی، ژئوپولیتیک را به سمت قهقرا می‌برد؟ یا نقش آن را در قرن ۲۱ میلادی افزایش می‌دهد؟ و به‌گفته‌ای، ژئوپولیتیک در ابعاد پنجم به‌معنای چیست؟

این پژوهش تلاش می‌کند به پرسش‌های بالا و فرض‌های پیش‌رو پاسخ دهد که البته با توجه به نو بودن موضوع فهم آن نیازمند به تفسیر است.

روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش که بیان شد، نوع پژوهش کاربردی با اصالت توصیفی - تحلیلی است. دامنه‌ی مطالعاتی این پژوهش تغییر الگوها و روند حاکم بر نظام بین‌الملل بر اساس اصول متحول‌شده‌ی ژئوپولیتیکی است که موضوع قدرت رزم‌آوری و توان اطلاعاتی یکی از این ایده‌های جدید به‌شمار می‌آید و این پژوهش سعی دارد آن را به‌اثبات برساند.

رویکرد این موضوع با توجه به آثار آن در نظام بین‌الملل، رویکردی تفسیری و برداشتی است و ارائه‌ی مدل در شرایط کنونی کاری سخت به نظر می‌رسد. هنگامی که سر هالفورد مکیندر^۱، در قرن بیستم میلادی توجه خود را به توسعه‌ی راه‌آهن، به‌عنوان کلیدی برای مستعدکردن سرزمین مرکزی در کره‌ی زمین معطوف کرد و به موجب آن، همداری بر افزایش قدرت‌های قاره‌ای (در کشورهایی که با موقعیت دریایی عمل می‌کردند) داد، کسی باور نکرد که این شاخه‌ی صنعتی (راه‌آهن) در آن زمان چقدر نقش کلیدی برای توسعه‌طلبی برخی قدرت‌ها دارد؟

امروزه این هشدار، از ناحیه‌ی توسعه‌ی مداوم و پیوسته‌ی اطلاعات و فناوری‌های مرتبط به بسیاری از دولت‌ها داده می‌شود. بنابراین با توجه به ارتباط بین ژئوپلیتیک و تکنولوژی و در نظر گرفتن این معنا که تئوری ژئوپلیتیک، یعنی شکل‌دادن جغرافیایی به مفهوم سیاسی کشورها روی نقشه و همچنین با توجه به مفاهیم و کارکردهای گذشته آن، به اهمیت مسأله پی می‌بریم. ژئوپلیتیک از زمان پیدایش تا کنون، در چهار بُعد خود را نشان داده است (عزتی، ۱۳۷۰: ۲۵-۲۳):

بُعد اول: ژئوپلیتیک سنتی؛

بُعد دوم: ژئوپلیتیک کلاسیک؛

بُعد سوم: ژئوپلیتیک مدرن؛

بُعد چهارم: ژئوپلیتیک پست‌مدرن؛

و اینک بُعد پنجم آن در سه حوزه به‌طور همزمان در دستور کار قرار دارد؛ یعنی ژئوپلیتیک مکان، ژئوپلیتیک زمان و ژئوپلیتیک اطلاعات و مصداق‌های آن را در ۱۵ سال گذشته در نوع برخوردهای بین‌المللی شاهد بودیم.

با این‌گونه مقدمه و توصیف، به ارزش انقلاب اطلاعاتی و تأثیرات آن - که در حوزه‌ی ژئوپلیتیک مهم است - پی می‌بریم، به‌دلیل اینکه این عصر، هنوز دوره‌ی جوانی خود را سپری می‌کند و آثار آن هم به‌مراتب گسترده و زیاد است. از سوی دیگر، چندان اطمینانی به دوام تفکراتی ندارند که در این عصر تئوری ارائه می‌دهند و همین متغیر بودن دیدگاه‌ها در حوزه‌ی ژئوپلیتیک، آغازی برای درک ماهیت بُعد پنجم ژئوپلیتیک، به‌عنوان یک مفهوم متفاوت نسبت به مفاهیم گذشته در علم ژئوپلیتیک است.

بنابراین در این پژوهش تلاش شده تا چارچوبی ارائه شود که ضمن بیان جزئیات جدید موضوع، ارتباط بسامانی با دیگر دوره‌ها و ابعاد پنج‌گانه ژئوپلیتیک برقرار کند. بدین معنا که پیدایش دوره‌ی جدیدی از ژئوپلیتیک، به‌منزله‌ی نادیده گرفتن دیگر ادوار و ادوات تأثیرگذار آن دوره نیست و مدلی که برای بُعد پنجم در نظر گرفته شده، مدلی تکمیلی در ارتباط با دانش ژئوپلیتیک و رابطه‌ی آن با علوم نوظهور یا به کل متحول شده است. به‌طور مثال، بسیاری از جغرافی‌دانان نظامی و سیاسی، دوره‌ی سوم ژئوپلیتیک را به لحاظ اثرگذاری‌های آن در نظام بین‌الملل، متأثر از قدرت برتر نیروی هوایی می‌دانند. ژنرال دوئت^۲ ایتالیایی معتقد است که جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، نشان داد که نیروی هوایی برتر، ابزاری مستقل برای پیروزی و برتری نظامی است (دوئت، ۱۹۹۵: ۵۷).

1. Sir Halford Machinder

2. General Dwiht

مسأله‌ی بالا بیانگر اهمیت به‌هم پیوسته‌ی نظام ژئوپولیتیک بوده و بیانگر بخش دیگری از ویژگی‌های استراتژیک ژئوپولیتیک در کنار دیگر ویژگی‌هایی همچون دریا، خشکی، هوا، فضا، زمان و مکان است. حتی توسعه‌ی فناوری‌ها در حوزه‌ی نیروی هوایی و نیروی دریایی نیز، بیشتر به ریزفناوری‌های کارآمد و تأثیرگذار اطلاعاتی مکتبی شده که بسیار هم ظریف و کارساز هستند.

نقش ژئوپولیتیک قدرت

انقلاب‌های صنعتی در دو قرن گذشته، گسترده‌ترین تحولات را در کره‌ی زمین و کیفیت زندگی بشر و دیگر موجودات از زمان پیدایش آن تا به امروز فراهم کردند؛ اما درکل، چون توسعه‌ی صنعتی در نوع وابستگی و تصمیم‌سازی دولت‌ها تأثیرگذار بوده و در حوزه‌ی سیاست و قدرت بیشترین تغییرات را در پی داشته است، به همین میزان در تکامل علم ژئوپولیتیک نیز مؤثر بوده و به‌موازات پیچیدگی استراتژیکی جهان، به اهمیت این علم افزوده است و امروزه کمابیش در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امنیتی نقش مستقیم دارد. این اهمیت ژئوپولیتیک، نشان می‌دهد که در رابطه با این نظریه، اهداف خاصی از نظر نقش ژئوپولیتیک قدرت با ابعاد اطلاعاتی آن دنبال می‌شود.

بنابراین تجزیه و تحلیل محدودیت‌ها و مزیت‌های قدرت اطلاعات در مرحله‌ی جدید ژئوپولیتیک، برای درک استنباط‌های درازمدت بعد پنجمی که از آن یاد شد، بسیار مهم است؛ زیرا از نگاه ژئوپولیتیک، هر محیط جغرافیایی در عصر کنونی با یک درجه و خاصیت تعیین می‌شود و قدرت اطلاعاتی در محیطی عمل می‌کند که از آن با عنوان نفوذ مؤثر یاد می‌شود؛ زیرا این جایگاه، محیطی است که حساسیت سیاسی و امنیتی ایجاد می‌کند. حال آنکه حساسیت ممکن است محلی یا منطقه‌ای باشد، یا اثری جهانی داشته باشد.

از سوی دیگر، تنوع درک بشر از جهان به‌واسطه‌ی مصادیق جغرافیایی است، همراه با فهم ژئوپولیتیک که در ادوار گذشته بدان اضافه شده است، حتی ایدئولوژی‌های مذهبی نیز بر مبنای همین مصادیق بروز پیدا کرده‌اند. در این رابطه تجربه‌های متعدد تاریخی وجود دارد که مراجعه به آنها بسیاری از حقایق را روشن می‌کند و بنابراین می‌بینیم که امروزه بر مبنای همین اندیشه‌ی مدرن و اندکی پیچیده، نیرویی به نام نیروی اطلاعات و قدرت رزم‌آوری (به هر وسعت و میزانی که باشد) در ژئوپولیتیک بروز یافته است (تد رابرت گر، ۱۳۷۷: ۱۲).

بسیاری از ژنرال‌های متفکر و صاحب‌نظر غربی، به‌ویژه آنهایی که مدیریت میادین جنگ‌های بزرگ را بر عهده داشته‌اند، امروزه ارزش این مفهوم ژئوپولیتیک را بسیار زیاد می‌دانند. ژنرال استنلی مک کریستال^۱، فرماندهی اسبق نظامیان آمریکا و ناتو در افغانستان، در جنگ فرسایشی و طاقت‌فرسای افغانستان اعتراف کرد که: "انگیزه‌ی تئوری‌های ژئوپولیتیک آمریکا از حمله و اشغال چنین مناطقی، ناشی از روابط خاص جغرافیا با امنیت بوده و آمریکا با علم به چنین واقعیتی، تلاش در دیکته‌کردن ایده‌های امنیتی خود بر جهان پیرامون و نقاط دور دست دارد و فضای سایبری و اطلاعاتی آمریکا در عملیات‌های جدید حرف نخست را می‌زند" (برژینسکی، ۱۹۹۸: ۳۷).

1. Stanley mc Christal

در اصل بیشتر اقدامات آمریکا در حوزه‌های استراتژیک جهان، برگرفته از این واقعیت است و این کشور از قدرت اطلاعاتی به‌مانند بزرگراهی دوطرفه استفاده می‌کند و به‌واسطه آن به‌افزایش قدرت رزم‌آوری خود می‌پردازد. اما باید به این نکته اشاره شود که منظور از ژئوپولیتیک اطلاعات در عصر حاضر، تنها جنبه‌ی امنیتی و نظامی آن نیست و فقط معطوف به این حوزه نمی‌شود. البته جریان وافر اطلاعاتی تنها در انحصار آمریکا نیست، بلکه مورد توجه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی قرار گرفته است که دارای اهداف خاصی در جهان هستند. حتی می‌توان گفت که تحرک و تکاپو برای دفاع از خود باعث توسعه‌ی گسترده‌ی فناوری اطلاعاتی این‌گونه کشورها شده است.

از سوی دیگر، فناوری اطلاعات و فرآورده‌ها و خدمات مبتنی بر اطلاعات، به‌عنوان محوری برای اقتصاد درآمده است. در واقع، فناوری اطلاعات و ارتباطات، بخش مهمی از تجارت فرامرزی را تدارک می‌بیند. اقتصاد جهانی اینک به‌راستی در راستای اقتصاد مبتنی بر اطلاعات رو به گسترش است. چنین گسترش و آثار آن عبارتست از: جریان روزافزون اطلاعات و فرآورده‌ها و خدمات مبتنی بر اطلاعات، در میان ملت‌ها و به‌طور دقیق این موضوع یکی از جدی‌ترین تهدیدهای عصر حاضر به‌شمار می‌آید (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۳).

مارتین لیبکی^۱ در توصیف شرایط بالا در کتاب *جنگ اطلاعاتی چیست؟* چنین می‌نویسد: "تلاش برای درک مفهوم جنگ اطلاعاتی، مانند این است که چند نفر ناپیما بخواهند با لمس کردن بخش‌های مختلف یک فیل بگویند که این موجود چیست؟" و با این وصف به اهمیت بُعد پنجم ژئوپولیتیک در جهان معاصر می‌پردازد. البته برداشت لیبکی کاملاً نظامی است؛ ولی اثرگذاری آن در بخش‌های دیگر کاملاً محسوس است (لیبکی، ۱۹۹۸: ۸۴).

احاطه‌ی تفکر اطلاعاتی - امنیتی بر نگرش‌های ژئوپولیتیکی

در این تحلیل با یک روند متعارف استراتژیکی روبه‌رو هستیم که در هفت شاخه‌ی پیوسته به هم، در پیکره‌ی نظام معاصر در جوش و خروش است و هر دو سال، شکلی از آن برجسته می‌شود که عبارتند از:

۱. **جنگ فرماندهی و کنترل؛** که هدف آن قطع کردن سر دشمن، یعنی از بین بردن مغز متفکر دشمن است. (قطع ارتباط بین مرکز هدایت و رهبری با شبکه‌های ارتباطی)، این یعنی به‌چالش کشیدن محیط ژئوپولیتیکی؛
۲. **جنگ برپایه‌ی اطلاعات؛** که متشکل از طراعی، حفاظت و جلوگیری از دسترسی به نظام‌هایی است که برای برتری بر فضای نبرد، در جست‌وجوی دانش کافی هستند. این روش امروزه هیچ اهمیتی برای مرزهای زمینی قائل نیست و کیلومترها بالاتر در فضا، به‌اشکال مختلف به مانور اطلاعاتی و دستیابی به اهداف پیچیده مشغول است؛ یعنی احاطه‌ی فضایی بر حوزه‌های خاص ژئوپولیتیکی؛
۳. **جنگ الکترونیک؛** روش‌های رادیویی، الکترونیک، یا رمزنگاری؛
۴. **جنگ روانی؛** که در آن از اطلاعات برای تغییر ذهنیت و طرز فکر دوستان، بی‌طرف‌ها و دشمنان استفاده می‌شود؛

۵. **جنگ هکرها؛** که در آن به سیستم‌های رایانه‌ای حمله می‌شود؛

۶. **جنگ اطلاعاتی اقتصادی؛** ایجاد مانع در برابر اطلاعات یا تسهیل جریان اطلاعات با هدف کسب برتری اقتصادی و برخی روش‌های دیگر، مانند اهرم‌های فشار گسترده در چارچوب تحریم‌ها و پروتکل‌های شناخته‌شده؛

۷. **جنگ سایبر؛** ترکیبی از همه‌ی موارد شش‌گانه‌ی بالا.

مشخص است که مدل ششم در حالی مشابه، اشکال درگیری‌ها را با روش‌های جدید نشان می‌دهد. خواه و ناخواه در شرایط جدید، برخوردهای فیزیکی به حداقل ممکن رسیده است و در جهان کنونی چیزی که اهمیت اساسی دارد، درک فضای سایبرنیک و اینفوسفر در حوزه‌های ژئوپولیتیک است.

اگر این فرض را بپذیریم که دامنه‌ی رقابت‌ها در عصر حاضر، در عمق ژئوپولیتیک مناطق رخ می‌دهد، می‌توان به نسبت مفهوم بُعد پنجم ژئوپولیتیک دست پیدا کرد. بدین معنا که مفهوم عملیاتی مهم و اساسی موارد بالا در این است که محیط‌های ژئوپولیتیک، به‌فراخور گذشت زمان، از سیطره‌ی محض زمینی و مرزها خارج شده و در ابعاد دریا و هوا مفهوم اساسی پیدا کرده‌اند که عامل اصلی آن نیز، قدرت اطلاعاتی است. نتیجه اینکه، استفاده از قدرت اطلاعاتی، هم مدل جنگ‌ها و مبارزه‌ها را تغییر داده و هم سبک بازیگری را دگرگون کرده است. از سوی دیگر معلوم می‌شود که قدرت تعیین‌کننده به هوا (نیروی هوایی) منتقل شده و عمده‌ی ژنرال‌های نظامی صاحب‌نظر بر این باورند که سامانه‌های الکترومغناطیسی مستقر در پایگاه‌های هوایی قدرت‌های نظامی بزرگی چون آمریکا، روسیه، چین، هند و کانادا، به‌سان بشقاب پرنده‌ای سیال، فضای پیرامون خود را در کنترل خود گرفته‌اند و پتانسیل نیروی اطلاعاتی آنها، موازنه‌ی قدرت را در قرن ۲۱ در هم ریخته است. اگرچه پیشینه‌ی قدرت اطلاعات امروزی به تاریخ قرن استراتژیک و سراسر حادثه و تحوّل بیستم بازمی‌گردد، اما شاخص‌ترین شیوه‌های آن را امروزه مشاهده می‌کنیم و مهارت‌های نظامی عصر حاضر، ناشی از این بُعد قدرت است. درست است که عصر اطلاعات، دانش ظاهری ما را افزایش داده است، اما به‌میزان قابل توجهی، شیوه‌ی آسیب‌رساندن دشمن را پنهان داشته است و این هراسی است که امروزه به جان ملت‌ها و دولت‌های مستقل، اما عمدتاً ضعیف افتاده است.

بازیگران پیدا و پنهان در فرایند جدید ژئوپولیتیک

باید توجه داشت که تغییر در ساختار نظام بین‌الملل و نیز ظهور بازیگران جدید در عرصه‌ی امنیت جهانی، به شکل‌گیری شرایط پیش‌بینی نکردنی و ظهور تهدیدهای نامتقارن در جهان معاصر منجر شده است و این موضوع مهم از دید ژئوپولیتیسین‌ها دور نمانده است. بنابراین قواعد بازی نیز در هم ریخته و بازیگران پیدا و پنهان فرایند جدید و نحوه‌ی بازیگری آنان از نکات جالب توجه این فرایند جدید است. با توجه به کیفیت تحولات قرن اخیر، بیشترین نقش را در دوره‌ی پنجم ژئوپولیتیک نهادهای نظامی - امنیتی - جاسوسی و ضد جاسوسی - و تشکّل‌های وابسته به آنها بازی می‌کنند. مهم‌ترین این نهادها عبارتند از: سازمان ناتو (NATO) در گسترده‌ترین سطح بین‌المللی و نهادهای جاسوسی وابسته‌ی سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا، سیا (CIA)، موساد در اسرائیل (MOSSAD) ام‌آی.سیکس (M.I.6) در

انگلستان و انواع و اقسام نهادهای مشابه که کمابیش در ۱۲۰ کشور جهان فعالیت مستمر دارند. اما در این میان، آمریکایی‌ها که وارث سنت‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل هستند؛ در عصر حاضر اصول نظامی خود را بر "مدیریت قدرت" و "امنیت‌سازی از طریق برتری و هژمونی" بنا کرده‌اند؛ زیرا نهادهای تأثیرگذار آمریکایی در این زمینه اعتقاد دارند که هژمونی در شرایطی حاصل می‌شود که آنان بتوانند تهدیدهای نیروهای متعارض را محدود کرده و در شرایط بازدارنده، آن را کنترل کنند.

در این زمینه، مؤسسه‌ی دیفنس تک^۱ از مؤسسه‌های نظامی و امنیتی ایالات متحده آمریکا، مطالعات متعددی را انجام داده و در حال آزمایش پروژه‌های جدیدی در این زمینه است؛ یعنی حاکمیت مفهومی بُعد پنجم در آینده‌ی نزدیک بیشتر خود را نمایان خواهد کرد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که روش‌های کلاسیک در عصر طوفان اطلاعاتی به‌طور کامل کنار رفته و اقدامات نامتقارنی جایگزین شده‌اند که ماهیتی متفاوت با جنگ کلاسیک دارند. در نبردهای کلاسیک، فرایند عملیات مشخص و برنامه‌ریزی شده است؛ اما این شاخص‌ها در عملیات نامتقارن وجود ندارد و دارای پیچیدگی خاصی است (کالین، اس گری، ۲۰۰۳: ۱۵۴).

اقدامات نامتقارن برای رسیدن به هدف اقتصادی و استراتژیک خاصی اجرا نمی‌شوند، بلکه برای "محدودسازی و چالشگری در برابر قدرت و هژمونی" سازماندهی می‌شوند و نقاط آسیب‌پذیری را هدف قرار می‌دهند که معمولاً زمان عملیات و شیوه‌ی عملیات نیز خیلی مشخص نیست. در این شرایط است که میزان غافلگیری در حوزه‌های ژئوپلیتیکی افزایش می‌یابد و این مسأله امروز حساسیت‌های ژئوپلیتیکی را به اوج خود رسانده است و به عناصری غیر از عناصر و ابزار سخت و خشن نظامی وابسته شده است که با عنوان عناصر معماری اطلاعات شناخته می‌شوند و عبارتند از:

۱. گردآوری و ذخیره‌ی منظم اطلاعات؛
۲. قابلیت دسترسی فنی بازیگران به اطلاعات؛
۳. ارائه‌ی کنترل‌شده‌ی اطلاعات به متحدان؛
۴. شبکه‌سازی و شبکه‌بندی اطلاعات؛
۵. مدیریت راهبردی و استراتژیک اطلاعات؛
۶. امنیت و حفاظت اطلاعات داخلی؛
۷. تطابق‌پذیری اطلاعات با نیازها و کنترل هجمه‌های وارداتی؛
۸. یکپارچه‌سازی اطلاعات برای ایجاد وحدت در ژئوپلیتیک زمان.

با این اوصاف فعالیت در این حوزه‌ی تخصصی و پُراهمیت و مشخص، نیاز به شناخت کافی از فرایند اطلاعاتی دارد؛ زیرا امروزه کنترل قدرت اطلاعاتی و توانایی استفاده‌ی درست از آن، برای پیشبرد اهداف استراتژیک ملی بسیار ضروری است. اگرچه به‌دلیل ماهیت موضوع نمی‌توان مثال‌های شفاف زد، اما از شکل ظاهری مسأله پیداست که روند

تأثیرگذاری فرایندهای اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی، چه بلایی سر فرهنگ‌ها و ملیت‌های عصر حاضر آورده است و جالب‌تر از همه نمای این فرایند است که در بسیاری از مواقع، اشکال فریبنده و ظاهری زیبا دارند، اما آثار مخرب خود را در اوج غفلت‌ها بر پیکره‌ی فرهنگ‌های تاریخ‌دار نمایان می‌کنند! (لیبیک، ۱۹۹۸: ۱۴۲). از نظر سخت‌افزاری هم می‌توان به‌خوبی نقش بازیگران اصلی را در مدیریت این فرایند ملاحظه کرد. به‌طور مثال، جنگ نابرابر و یک‌طرفه‌ی سال ۱۹۹۱ م. خلیج فارس، ارزش داشتن قدرت اطلاعاتی و اهمیت حیاتی بُعد پنجم ژئوپولیتیک را به‌خوبی نشان داد؛ یعنی ائتلاف اطلاعاتی چند قدرت غربی، ابتدا موازنه‌ی جنگ روانی و سیاسی را به زیان عراقی‌ها تغییر داد، سپس در بُعدی آسان‌تر و پُرشتاب، جنگ سخت نظامی را به نفع آمریکا و متحدانش رقم زد.

بحث و یافته‌ها

مفهوم اطلاعات و قدرت رزم اطلاعاتی از مفاهیم بنیادی در شکل‌یابی حوزه‌ی پنجم ژئوپولیتیک به‌شمار می‌آید و براساس نظریه‌های فوق می‌توان این نظریه را اثبات کرد. این امر مستلزم خیزشی بلندمرتبه و درکی متقابل است؛ زیرا روند تحولات به ما نشان می‌دهد که علوم اطلاعاتی، اگر تحت فرمان قدرت استراتژیک و ارتباطات منظم و هدف‌دار باشد، سرنوشت‌ساز خواهد بود؛ زیرا یکی از ویژگی‌های این وضعیت، ناپایداری و غیردائمی بودن آن است. در چنین شرایطی است که دست‌یابی به یک مجموعه‌ی اطلاعاتی منظم، می‌تواند مزایای باارزشی برای قدرت‌های سیاسی متناسب با حوزه‌های ژئوپولیتیک در اختیار آنان را به ارمغان آورد و راه را برای رسیدن به نیروی برتر اطلاعاتی هموار کند (کوهن، روبرت، ۱۹۹۸: ۶۹).

البته موضوع فوق در اشکال منفی هم می‌تواند به بدترین، خشن‌ترین و ناشناخته‌ترین شکل ممکن خود را نشان بدهد. مانند اقداماتی که تروریست‌ها برای مقاصد شوم خود انجام می‌دهند. با همه‌ی این توصیف‌ها، دو مشخصه می‌توان برای بُعد استراتژیک قدرت اطلاعاتی در نظر گرفت:

اول: عوامل بزرگ؛ که تعیین‌کننده‌ی ابعاد زمانی، مانند برنامه‌ریزی استراتژیک و جنگ فرهنگی و سیاسی و قابلیت‌ها هستند.

دوم: عوامل کوچک؛ که چند دسته‌اند و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. جمع‌آوری هوش و استعداد؛
۲. جنگ استراتژیک؛
۳. تروریسم غیرقابل پیش‌بینی؛
۴. حمله‌های نمادین؛
۵. جنگ‌های کوچک؛
۶. حمایت لجستیک نامحسوس؛
۷. و عملیات‌های غیر نظامی.

هریک از عوامل بالا دربرگیرنده‌ی هزینه‌های خاصی برای محیط‌های ژئوپولیتیک است. برای مثال، آنچه در

حوزه‌ی ژئوپلیتیک تنگه‌ی هرمز و تنگه‌های مشابه در عصر حاضر حاکم است، نتیجه‌ی سلطه‌ی محیطی ابزارهای بسیار پیشرفته‌ی اطلاعاتی است و به‌خصوص آثار آن را می‌توان در تقویت قدرت دریایی قدرت‌های بازیگر در این مناطق حساس ژئوپلیتیکی، لمس کرد. اما اینکه آیا بُعد پنجم ژئوپلیتیک، همان جهان مجازی است؟ باید گفت که تفاوت‌های ماهوی زیادی بین این دو مفهوم وجود دارد؛ زیرا اگرچه ممکن است عناصر دخیل در بُعد پنجم مشابه عناوین جهان مجازی باشد، اما کارکردهای آن به‌گونه‌ای است که روشن و آشکار است و مزیت‌ها، محدودیت‌ها و توانایی‌های آن قابل لمس است. (اگنیو، ۱۹۹۸: ۸۹).

از سوی دیگر مفاهیم و نظریه‌هایی که در قرن بیستم میلادی، به‌ویژه در دوران جنگ سرد، منبع اصلی جهت‌گیری‌های نظام بین‌الملل بودند، پس از فروپاشی و ورود جهان به مرحله‌ای متفاوت، تغییر کردند و اکثر نظریه‌ها در این عرصه با شک و تردید و گاهی با هراس ارائه می‌شوند و به نظر می‌رسد در سال‌های آینده‌ی نه‌چندان دور، شاهد جریان‌هایی خواهیم بود که به بزرگی تحولات بسیار مهم تاریخ، اهمیت دارند و در پی این رخدادها، خطرات بزرگی نیز به‌وجود خواهند آمد و شاید تا سال ۲۰۲۵ میلادی تعادل نظام بین‌الملل به‌کلی درهم بریزد. بنابراین معلوم نیست که با این نوع آرایش جدید ژئوپلیتیکی در جهان، به‌ویژه در حوزه‌ی امنیت، در آینده به بهانه‌ی استقرار امنیت جهانی، چه نوع و تا چه وسعت ناامنی‌ها، دامن بشریت را خواهد گرفت؟

برژینسکی در کتاب صفحه‌ی بزرگ شطرنج می‌نویسد: "امروز ژئوپلیتیک نوین دیگر به‌دنبال آن نیست که منطقه‌ی جغرافیایی معینی را در اُراسیا برای سلطه بر قاره‌ها مشخص کند یا امتیازهای نسبی مربوط به قدرت زمینی یا دریایی را مقایسه کند. ژئوپلیتیک با گذار از مقیاس منطقه‌ای به مقیاس جهانی، برآن است که برتری در قاره‌ی اُراسیا را به لنگرگاه سلطه‌ی جهانی تبدیل کند" (برژینسکی، ۱۹۹۸: ۶۷-۶۶).

تنها برژینسکی نیست که چنین نظری را طرّاحی کرده باشد، بلکه نظریه‌پردازان دیگری مانند ساموئل هانتینگتن (نظریه‌پرداز جنگ تمدن‌ها) نیز، در این زمینه دیدگاه‌هایی مشابه دارد. چنانکه در یکی از نظریه‌های معروف خود چنین گفته است: "دنایی که در آن ایالات متّحده برتری نداشته باشد، به وضعیتی خواهد بود که ایالات متّحده مانند امروز، نفوذ زیادی در امور جهان بیش از هر کشور دیگری داشته باشد. حذف برتری آمریکا، نه‌تنها برای سطح زندگی و امنیت آمریکاییان نیست، بلکه برای آینده‌ی آزادی، دموکراسی، اقتصادهای باز و نظم بین‌المللی اهمیت اساسی دارد" (همان: ۹۵۸). این برداشتها و دیدگاه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهند که تا چه حد یک ابرقدرت یک‌جانبه‌گرا، در صدد سلطه‌ی خود بر جهان است و از نظر شرایط تاریخی نیز این کشور در استثنایی‌ترین دوران قدرت اطلاعاتی و نرم‌افزاری و نظامی بسر می‌برد و خطّ مقدّم اقدامات سلطه‌طلبانه‌اش، قدرت نرم‌افزاری اطلاعاتی است.

نتیجه‌گیری

بر اساس رهیافت توصیفی و پژوهشی و همچنین رویکرد پسامدرنیسمی ماهیت تکنولوژی اطلاعاتی و سایبری و تأثیر آن بر فرآیندهای ژئوپلیتیکی، نمی‌توان اثر بُعد پنجم را نفی کرد، بلکه دلایل زیادی وجود دارد که ماهیت این موضوع را با اثرگذاری بیشتر در آینده اثبات می‌کند. اگر هم‌اکنون دولت‌های مستقل جهان را بیش از ۱۶۰ دولت در نظر بگیریم،

افزون بر سه‌چهارم این دولت‌ها در ناخوشی امنیتی بسر می‌برند که یا ناامن هستند یا در تهدیدهای امنیتی گرفتارند! از سوی دیگر، ساختار امنیت جهانی به شبکه‌ای پیچیده و چندوجهی از بازیگران و نهادهای مؤثر منطقه‌ای تبدیل شده و تلاش اکثر بازیگران در دنیای معاصر این است که تا جای ممکن، خود را از نگرانی و ترس و خطرات امنیتی و برخوردهای سخت فیزیکی و نظامی دور نگه دارند.

در جهان معاصر، هر اقدام غیرسیاسی و خارج از منشور و پروتکل‌های بین‌المللی، زمینه‌ساز خطرات بزرگ است و اهمیت موضوع بالا به ما می‌گوید که برای درک حقایق ژئوپلیتیکی باید عناصر متعددی را در نظر گرفت و از هیچ کدام از ابعاد پنج‌گانه غفلت نکرد.

در بُعد پنجم ژئوپلیتیک نیز به اهمیت این مسأله اشاره شده است و بیشتر تحلیل‌گران ژئوپلیتیکی به نقش انکارناپذیر این مسأله تأکید کرده‌اند. باید پذیرفت که جهان امروز با یک استراتژی نامتقارن در عرصه‌ی نبرد اطلاعاتی روبه‌رو است. در واقع می‌توان از روند موجود، به‌عنوان ترور اطلاعاتی یاد کرد. به‌طور کلی و با توجه به روح حاکم بر این مقاله، باید عنوان کرد که قدرت اطلاعات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در عصر حاضر دارای مفاهیم ضمنی ژئوپلیتیکی هستند.

این نظریه که با عنوان بُعد پنجم ژئوپلیتیک ارائه شده، بیانگر پیوستگی جغرافیای فیزیکی با جغرافیای نظامی و عوامل استراتژیک، به‌ویژه قدرت نرم در قرن بیست‌ویکم میلادی، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های زمینی است. از سویی دیگر، این نظریه می‌خواهد بگوید که در قرن بیست‌ویکم میلادی، محیط‌های استراتژیک و ژئوپلیتیکی، تنها توسط یک بُعد از قدرت تعیین نمی‌شود، بلکه همه‌ی عناصر ژئوپلیتیکی در آن دخیل هستند و نیروی اطلاعات نقش تعیین‌کننده‌ای در این فرایند دارد.

هر چند محدودیت‌های قدرت اطلاعاتی که مرتبط با برتری اساسی جغرافیای فیزیکی و محیطی است و میزان قدرت کشورها را در دوره‌ی پنجم که معروف به دوره‌ی ژئوپلیتیک زمان است تعیین می‌کند، اما در بسیاری از مواقع، سبب بروز ضعف‌های ژئوپلیتیکی برای مناطق استراتژیک در نقشه‌ی سیاسی جهان می‌شود.

منابع

1. Agnew, J. A., 1998, **Geopolitics: Re-Visioning World Politics**, US. Los. City.
2. Agnew, J.A, 1997, **Geopolitics: Re-Visioning World Politics**, US. Los. City.
3. Anderson, M., 1999, **Territory and State Formation in a Modern World**, Polity Press.
4. Banadat, L., P., 2003, **Political Ideologies**, New Jersey.
5. Brzezinski, Z., 1997, **The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives. (in Persian)**
6. Bylys, J. & et al., 2003, **Strategy in the Contemporary World: An Introduction to Strategic Studies**, Translator: Khaibari, Kabk, Institute of Contemporary International Studies and Research, Tehran. (in Persian)
7. Dalby, S., 2002, **Geopolitical. Change and Contemporary Security Studies**, Institute of International Relations, the University of British, Columbia.

8. Dodds, K. and Atkinson, D., 2000, **Geopolitical Tradition**, Routledge, USA.
9. Ezzati, E., 1991, **Principle Strategy**, Dafvs, Tehran. (*in Persian*)
10. Flint, C., 2006, **Introduction to Geopolitics**, Routledge, London.
11. Frono, R., 1999, **The Art of Information Warfare**, Universal Publisher.
12. Huntington, S. 2006, **America's Military Strategy**, Translator: Sarmstany, Jamshid, Tehran. (*in Persian*)
13. Huntington, S., 2005, **America's Military Strategy**, Translator: Sarmstany, Tehran. (*in Persian*)
14. Johnston, R. J., 2004, **Evolution Geography**, Translator: Nasrin Noriyan, Tehran. (*in Persian*)
15. Keegan, J. and Wheatcroft, A., 1986, **Zones of Conflict: An Atlas of Future Wars**, Jonathan Cape, London.
16. Keohane, R.O. and Nye J.S., 1998, **Power and Interdependence in the Information Age**, Foreign Affairs, Vol. 77, No. 5, PP. 81-94 .
17. Libicki, M.C., 1995, **What is Information Warfare?**, National Defens University, Washington D.C.
18. Luttwak, E., 1986, **The Pentagon and the Art of War: The Qu**, Touchstone Books; First Edition, London.
19. Mandel, R., 1994, **The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis Contributions in Military Studies**. (*in Persian*)
20. Mirheydar, D., 2006, The Concept of Land Reform in the Age of Globalization, Geopolitics Journal, No. 2, PP. 67-68. (*in Persian*)
21. Morgenthau, H. J., 1995, **Politics among Nations**, Translator: Homeyra Moshyrzadeh, Institue Press State, Tehran. (*in Persian*)
22. Mottaghi, I., 2008, **Geopolitical Balance and Equilibrium Application: A Case Study in the Middle East between, Associations of Geopolitics**, Geopolitics Journal, No. 1, PP.10-12. (*in Persian*)